نگرش زنان شاغل به آوردن فرزند دوم و عوامل موثر بر آن

سید ناصر حجازی

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: از آن جایی که باروری پدیده اجتماعی است، مشکلات و عوامل متفاوت ومتنوعی وجود دارد که می‌توانند آن را تحت تأثیر قرار داده و آن را کنترل نمایند. اشتغال زنان از جمله عوامل تأثیرگذار بوده و تمایل زنان به باروری را از لحاظ اجتماعی واقتصادی تحت الشعاع خود قرار می‌دهد.

روش‌ها: این پژوهش به روش پیمایشی در شهر اصفهان و شهرستان‌های کاشان، نجف‌آباد، سمیرم و گلپایگان صورت گرفت. اطلاعات مورد نیاز از تعداد ۶۱۰ نمونه شامل زنان ازدواج کرده و شاغل دارای یک فرزند ۱۵-۴۹ ساله از طریق پرسشنامه محقق ساخته جمع‌آوری شد. پایایی پرسشنامه با استفاده از آزمون آلفا کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت. سپس با نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۹ تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: بیشتر جمعیت مورد بررسی در پایگاه اجتماعی و اقتصادی متوسط و در سنین ۲۰-۲۴ ساله و همسران آنها در سنین ۲۵-۲۹ سال قرار داشتند. تحصیلات افراد شرکت کننده در این مطالعه بیشتر در حد لیسانس و دارای فرزندانی کوچکتر از ۴ سال بودند و تعداد فرزند مطلوبشان دو فرزند بوده است. اکثر آنها تمایل به داشتن فرزند دوم بودندو اعتقاد داشتند بهتر است زوجین دارای دو فرزند باشند. تحصیلات، سن زنان، پایگاه اجتماعی و اقتصادی، اعتقادات مذهبی، ترجیح جنسی و رتبه شغلی مادران بر تمایل به داشتن فرزند دوم موثر بود ($P<۰/۰۰۱$) و تنها متغیر ترجیح جنسی تأثیری بر تمایل به داشتن فرزند دوم نداشت ($P=۰/۱۹۳$).

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج این تحقیق می‌توان گفت همچنان تمایل به داشتن فرزند دوم در بین زنان شاغل زیاد است. مهمترین عاملی که باعث تمایل و تقاضای برای داشتن فرزند دوم شده، تنها نبودن فرزند اول بوده است. بیشتر زنان در سنین زیر سی سال فرزند اول خود را به دنیا می‌آورند و تعداد فرزند مطلوب برای این زنان دو فرزند است.

واژه‌های کلیدی: اشتغال، باروری، فرزند دوم، زنان شاغل

ارجاع: حجازی، سیدناصر. **نگرش زنان شاغل به آوردن فرزند دوم وعوامل موثربرآن**. مجله تحقیقات نظام سلامت ۱۳۹۲؛ ۹(۷): ۷۸۱-۷۷۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۹/۱۷ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۳/۲۱**

۱. مربی، گروه جمعیت شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان، اصفهان، ایران Email:Hejazinaser@yahoo.com

مقدمه

رشد جمعیت در ایران بر اساس داده‌های سرشماری‌ها و یافته‌های به دست آمده از پیمایش‌های سلامت و بهداشت در حال کاهش می‌باشد. این کاهش رشد جمعیت با سرعت و گستردگی که در کل کشور داشته باعث شده است که توجه محققین و جمعیت‌شناسان را به خود جلب کند. جمعیت‌شناسان عوامل متعددی را در این امر دخیل می‌دانند که عمدتاً در دو حوزه کاهش مرگ و میر و کاهش باروری می‌باشند. اما هر کدام از این دو عامل نیز خود تحت تأثیر عوامل مختلف دیگری هستند که منجر به کاهش سطح آنها شده است.

باروری در هر جامعه‌ای دارای ابعاد مختلفی است؛ به این معنا که بر ابعاد مختلف اجتماعی و اقتصادی و بعدهای دیگر تأثیر دارد و از آنها تأثیر می‌پذیرد. عوامل فرهنگی همچون پایگاه و منزلت اجتماعی و اقتصادی همواره در طول تاریخ عامل تعیین کننده‌ای در باروری بوده است و اگر در دوره‌ای داشتن فرزند زیاد مزیت بوده تمایل به باروری بیشتر می‌شده است (۱). از سوی دیگر عوامل فرهنگی دیگری نیز در نرخ باروری تأثیرگذار هستند که از مهمترین آنها می‌توان به تحصیلات اشاره کرد که باعث شود زنان فرصت کمتری برای باروری داشته باشند (۲). الگوی روابط بین تحصیلات زنان و باروری بر حسب منطقه و سطح توسعه‌یافتگی و شرایط فرهنگی در طول زمان متفاوت است به این معنا که در مناطقی که تحصیلات زنان بنا به دلایل و تسهیلات موجود راحت‌تر است، باروری نیز افزایش می‌یابد (۳).

عامل مهم و تأثیرگذار دیگر بر باروری در حیطه مسائل فرهنگی مذهب است که همواره نقش مؤثری در تشویق و یا منع زوجین به باروری دارد. مذهب همواره و به خصوص در جوامع سنتی دارای نقش تعین کننده‌ای در مناسبات اجتماعی و فرهنگی داشته و در باروری نیز اغلب نقش تشویق کننده به باروری را ایفا می‌کند (۴). در یک نگاه کلان‌نگرانه، عوامل مؤثر بر باروری در حقیقت فرهنگ جامعه، عوامل محیطی-اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی هستند (۵). این عوامل با توجه به افزایش شهرنشینی و نوگرایی در جامعه تأثیر بیشتری در نرخ باروری خواهند داشت (۶).

در قالب عوامل اقتصادی می‌توان به تغییر نظام کار زنان اشاره کرد که بعد از ورود زنان به بازار کار و خارج شدنشان از خانه؛ آنها وقت کمتری را در خانه به نگهداری از فرزندان می‌گذراندن که این مسئله نیز در نرخ باروری تأثیرگذار بوده است (۷). همچنین وضعیت اقتصادی در جامعه نقش مهمی در نرخ باروری خواهد داشت. در جایی که باروری یک فرزند اضافه به معنی به وجود آمدن بار اقتصادی و هزینه اضافه است تمایل به باروری کاهش می‌یابد (۸) که این وضعیت برای زنان شاغل بیشتر است به این معنا که زنان شاغل اجبار به ترک شغل برای نگهداری از فرزندشان را به عنوان هزینه اجباری و اضافی باروری قلمداد می‌کنند. هزینه اقتصادی فرزندان در دو بعد برآورد شد: هزینه‌های مستقیم که هزینه مراقبت و نگهداری از فرزند تا زمانی که به مرحله منفعت اقتصادی برسد، است و غیر مستقیم که در واقع مربوط به فرصت‌هایی است که مادر به خاطر نگهداری از طفل خویش از دست داده است (۹).

استان اصفهان از لحاظ اشتغال زنان یکی از مهمترین استان‌ها می‌باشد که سطح اشتغال زنان در آن بالا است. تعداد زنان شاغل در شهرهای استان اصفهان که در این تحقیق به عنوان شهرهای نمونه تحقیق انتخاب شده‌اند در نمودار زیر نمایش داده شده است.

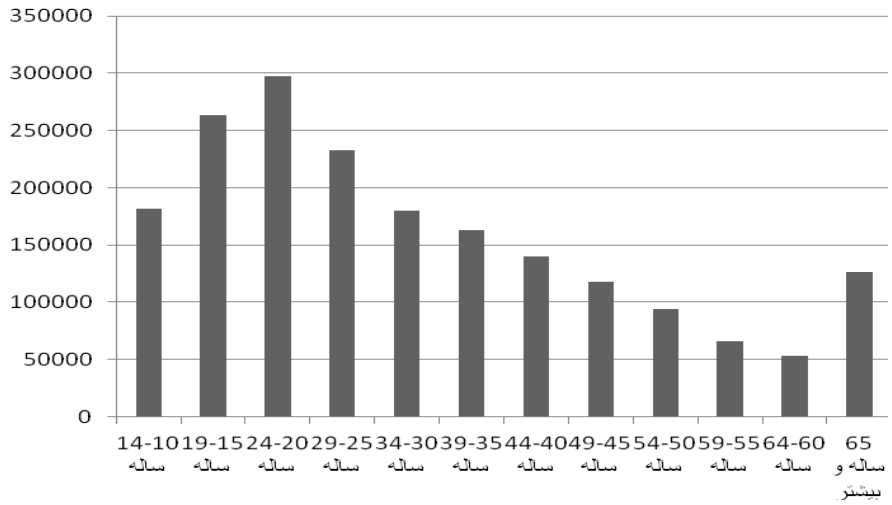

نمودار ۱: تعداد زنان شاغل در استان اصفهان

همان طور که در این نمودار مشاهده می‌شود، بیشتر زنان شاغل در گروه‌های سنی ۲۵ تا ۳۵ سال مشغول به فعالیت هستند که این سنین در سیکل ازدواج و باروری در دوره بیشترین احتمال ازدواج و باروری زنان قرار می‌گیرد. این سنین معمولاً از سوی اکثر زنان به عنوان سنین فرزندآوری انتخاب و برنامه ریزی می‌شوند و دارای اهمیت زیادی هستند، چرا که شناخت تعداد فرزند ایده‌آل از سوی زنان به خصوص زنان متأهل در این سنین و مشکلات آنها برای دست‌یابی به این ایده‌آل و همچنین شناخت تمایل یا عدم تمایل زنان به داشتن تعداد فرزندان ایده‌آل ذهنی و دلایل آن می‌تواند ما را در برنامه‌ریزی یاری کند.

اشتغال از طرفی منجر به حضور بیشتر زنان در فعالیت‌های اقتصادی و افزایش اعتماد به نفس و اقتدار و استقلال زنان شده و از طرف دیگر منجر به تغیراتی در زندگی ایشان و همچنین عوامل وابسته به زنان شده است. مهمترین موردی که شدیداً تحت تاثیر کار زنان و اشتغال آنها قرار گرفته خانواده است (۱۰).

بعد خانواده، شکل خانواده، روابط اعضای خانواده و گاه سلامتی اعضای خانواده رابطه‌ی مستقیمی با اشتغال زنان دارد. اشتغال و کار خارج از خانه زنان باعث می‌شود زنان وقت کمتری برای رسیدگی به امور خانه و خانواده داشته باشند که در این میان نگهداری از فرزند نیز تحت تاثیر اشتغال زنان قرار می‌گیرد. در بعد خانواده و از نگاه جزئی این کمبود وقت مادر باعث کاهش باروری و کاهش تمایل به داشتن فرزندان بیشتر می‌شود و زنان برای حفظ شغل خودشان باروری را به تعویق می‌اندازند و در بعد کلان و اجتماعی، زمانی که بازار کار نیاز به نیروی کار زنان پیدا می‌کند (به خصوص در جوامع تازه صنعتی شده و اقتصادهای خدماتی)، تبلیغ برای کاهش تمایل زنان به بارداری و همچنین افزایش امکانات برای زنان جهت نگهداری از کودکان به دنیا آمده آنها بیشتر می‌شود. همچنین گسترش تحصیلات و تغییر نظام کار زنان، توسعه‌ی تدریجی را در روابط خانوادگی به وجود آورده و این انگیزه را در مردم ایجاد کرده که دارای خانواده‌ی کوچکتری باشند (۳).

به هر صورت احتمال اشتغال در کارهای خارج از خانه برای زنانی که هیچ گونه فرزند خردسالی ندارند، بیش از شش برابر احتمال اشتغال زنانی است که دارای نوزاد کمتر از دو ساله هستند و هر چه سن فرزند کمتر باشد احتمال اشتغال زنان نیز کمتر است (۱۰).

اشتغال از طرفی منجر به حضور بیشتر زنان در فعالیت‌های اقتصادی و افزایش اعتماد به نفس و اقتدار و استقلال زنان شده و از طرف دیگر منجر به تغیراتی در زندگی ایشان و همچنین عوامل وابسته به زنان شده است. مهمترین موردی که شدیدا تحت تاثیر کار زنان و اشتغال آنها قرار گرفته،خانواده می‌باشد. اما باید گفت که رابطه معکوس

باروری و اشتغال زنان فقط زمانی است که بین این دو تضادی وجود داشته باشد؛ یعنی زمانی که یک زن بخواهد بین این دو کار سبک و سنگین کند و یکی را انتخاب کند (۱۱). از نظر زنان شاغل فرزندان نه تنها به عنوان یک منبع اقتصادی قلمداد نمی‌شوند بلکه سرپرستی و نگهداری از آنها مترادف با صرف هزینه‌های اقتصادی و زمان است (۱۲).

ناهمگونی بین باروری و اشتغال زمانی به وجود می‌آید که منطقه به سطحی از توسعه‌یافتگی رسیده و اشتغال زنان امری ضروری در اقتصاد آن کشور باشد (۱۳). با توجه به این موضوع ناهماهنگی بین رشد جمعیت و رشد اقتصادی منشاء مشکلات و معضلات عدیده‌ای در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، رفاهی، درمانی و دیگر مسایل بوده و عدم تناسب جمعیت با سایر شاخص‌های توسعه مانند اشتغال، مسکن، بهداشت، آموزش و پرورش و ... عوارض نامطلوبی بوجود آورده است. از طرف دیگر باید تأکید کنیم که این تأثیرات در مناطق مختلف با مناطق دیگر متفاوت هستند و باعث منحصر به فرد بودن بافت نهادی هر جامعه می‌شود تا واکنش دموگرافیک جوامع به تغییرات حاصله در شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جوامع منحصر به فرد باشد (۱۴).

نظریه‌پردازان جمعیتی معتقدند که هر اندازه کشور در مسیر توسعه اقتصادی و اجتماعی بیشتر حرکت کند، بیشتر انگیزه‌ها و سلیقه‌های فردی است که رفتارهای باروری را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ برعکس در جوامع توسعه نیافته و عقب افتاده بیشتر سیستم کلی حاکم بر جامعه، نهادها و مقررات است که به باروری جهت می‌دهد (۱۵). جامعه ایران نیز جامعه‌ای در حال توسعه بوده و به ویژه شهر اصفهان یکی از شهرهای مهم اقتصادی و توسعه‌یافته ایران است.

روش‌ها

در این پژوهش از روش‌های مختلف تحقیق مانند روش کتابخانه‌ای برای دست‌یابی به اطلاعات و نتایج تحقیقات پیشین و روش مطالعه میدانی همراه با پرسشنامه به منظور دستیابی به اطلاعات مورد نیاز برای تحلیل و بررسی فرضیه‌های تحقیق با توجه به نیاز استفاده شد. از ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده گردید که شامل سؤالات باز و بسته و با استفاده از طیف لیکرت بود. تکمیل پرسشنامه از راه مصاحبه بود. سوالات مشخص شده در قالب یک پرسشنامه ساخت‌یافته گردآوری شدند و توسط پرسشگر از افراد انتخاب شده در نمونه پرسید شد .

جامعه آماری تحقیق شامل همه زنان ۱۵تا۴۹ ساله شاغل با یک فرزند، ساکن در شهرهای اصفهان، گلپایگان، سمیرم، کاشان و نجف‌آباد بود. روش نمونه‌گیری روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای بود.حجم نمونه مورد بررسی در هر کدام از شهرهای انتخاب شده برای تحقیق بنابر تعداد زنان شاغل اعلام شده در سرشماری سال ۱۳۸۵ متفاوت بود. این حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران محاسبه و به دست آمد که ۶۱۰ نمونه برای شهر اصفهان و شهرستان‌ها محاسبه شده است و به صورت سهمیه‌ای بین شهر اصفهان و شهرستان‌ها تقسیم شد که بر این اساس سهم شهر اصفهان ۳۰۰ نمونه- شهر کاشان ۱۱۰ نمونه- شهر سمیرم ۶۰ نمونه- شهرنجف‌آباد ۸۰ نمونه و شهر گلپایگان ۶۰ نمونه می‌باشد.

برای تحلیل داده‌های این پژوهش از نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۹ استفاده شده و نتایج حاصل در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای ارزیابی پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید که نتیجه به دست آمده برای این ضریب ۰/۸۰ می‌باشد.

یافته‌ها

بر اساس نتایج این تحقیق می‌توان گفت که در شهر اصفهان و شهرستان‌های مورد پژوهش همچنان تمایل به داشتن فرزند دوم زیاد است. مهمترین عاملی که باعث تمایل و تقاضای برای داشتن فرزند دوم می‌شود، تنها نبودن فرزند اول بوده است. بیشتر پاسخگوها فرزند دوم را برای مراقبت و کمک به فرزند اول می‌خواهند که تقریباً بیشتر پاسخگوها تمایل خاصی برای جنس فرزند دوم خود نداشتند و حتی اگر فرزندان آنها از یک جنس باشند هم تفاوتی ندارد. بیشتر پاسخگویان معتقد بودند که سلامتی انسان در دستان خداست و همچنین زوجین نباید در سنین بالا دارای فرزند شوند؛ چرا

که برای سلامتی فرزندان خطرناک است و همچنین بیشتر پاسخگوها نظر خاصی در رابطه با زوجینی که دارای فرزند نیستند و در سنین بالا به سر می‌برند و لزوم فرزندآوری آنها نداشتند.

اکثر پاسخگوها می‌خواستند فرزند دوم آنها پسر باشد که البته این به معنای ترجیح جنس پسر بر دختر نیست؛ چرا که اکثر این افراد در حقیقت خواستند از هر دو جنس فرزند را در خانواده خود داشته باشند و لزوماً تمایل به دارا بودن پسر نبودند. نتایج در اصفهان درست برخلاف نتایج به دست آمده از تحقیقات منصوریان است که ترجیح جنسی به نفع پسر را تشخیص داده بود (۱۶).

مادرانی که تمایل به فرزند دوم داشتند عموماً با تحصیلات و در سنین و در سنین پایین‌تر ازدواج کرده بودند و اما مادرانی که تمایل به داشتن فرزند دوم نداشتند تحصیلات و رتبه شغلی و سنین بالاتری داشتند. سوری نیز در تحقیق خود به همین نتیجه رسید و می‌گوید پاسخگویانی که وضعیت شغلی بهتری داشته‌اند و یا در پایگاه اجتماعی و اقتصادی بالاتری بوده‌اند از میزان باروری پایین‌تری برخوردار بوده‌اند (۱۷). در جدول (۱) بعضی از اطلاعات جمعیت‌شناختی واحد پژوهش ارایه گردیده است.

جدول ۱: توزیع فراوانی براساس متغیرهای مورد نظر

متغیر	گروه‌ها	فراوانی	درصد
سن	زیر ۲۵ سال	۴۲	۷/۱
	۲۵ـ۲۹	۲۹۹	۴۹
	۳۰ـ۳۴	۲۲۴	۳۶/۷
	بالای ۳۵ سال	۴۵	۷/۲
پایگاه اجتماعی	پایین	۲۲	۳/۶
	متوسط	۳۱۸	۵۲/۲
	بالا	۲۷۰	۴۴/۳
سن ازدواج	زیر ۲۰ سال	۵۰	۸/۲
	۲۰ـ۲۴	۳۳۵	۵۴/۹
	۲۵ـ۲۹	۲۲۱	۳۶/۲
	۳۰ و بیشتر	۴	۰/۷
درآمد	ضعیف	۳	۰/۳
	متوسط	۲۲۸	۳۷/۵
	خوب	۳۷۹	۶۲/۲

طبق جدول (۲) که علل گرایش افراد به تعداد فرزندان دلخواهشان نشان داده شده است بیشترین فراوانی مربوط به مخارج وتربیت فرزندان می‌باشد.

در رابطه با آزمون فرضیات تحقیق در فرض اول برای بررسی معنادار بودن رابطه میان وضعیت رتبه‌های شغلی پاسخگویان و تمایل به داشتن فرزند دوم از آزمون کای اسکور استفاده شده است که میزان ضریب کای اسکور به دست آمده برابر با ۲۵/۶۲ است سطح معناداری در این آزمون بوده که نشان می‌دهد رابطه بین رتبه شغلی زنان و تمایل آنها به داشتن فرزند دوم وجود دارد. زنان با رتبه شغلی بالا کمتر از زنان با رتبه شغلی پایین و متوسط تمایل به داشتن فرزند دوم دارند.

برای بررسی معنادار بودن رابطه میان پایگاه اجتماعی و اقتصادی و تمایل به داشتن فرزند دوم از آزمون کای اسکوئر استفاده شده است که نتایج آن به این صورت است.

میزان ضریب کای اسکورر به دست آمده برابر است با ۵۵/۶۱ و سطح معناداری محاسبه شده در آزمون کای اسکورئر برابر است با (P >۰/۰۰۰۱) که فرض (۳) را تأیید می‌کند و بنابراین بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی پاسخگویان و تمایل آنها به داشتن فرزند دوم رابطه معناداری وجود دارد و عدم تمایل پاسخگویان پایگاه اجتماعی - اقتصادی بسیار بالا به صورت معناداری، بیشتر از عدم تمایل دیگر پاسخگویان در دیگر پایگاه‌های اجتماعی و اقتصادی است.

برای بررسی معنادار بودن رابطه میان وضعیت تحصیلات پاسخگویان و تمایل به داشتن فرزند دوم از آزمون کای اسکورر استفاده شده است که میزان ضریب کای اسکوئر به دست آمده برابر با ۳۲/۸ و سطح معناداری در این آزمون (P >۰/۰۰۰۱) است که نشان می‌دهد رابطه بین تحصیلات زنان و تمایل آنها به داشتن فرزند دوم وجود دارد.

جدول ۲: توزیع فراوانی و درصد دلایل پاسخگویان برای تعداد فرزند ایده‌آل آنها

	یک فرزند		دو فرزند		سه فرزند		چهار فرزند	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
بالا بودن سن	۳	۴/۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰
نداشتن توان جسمی و روحی	۵	۷/۴	۲	۰/۴	۰	۰	۰	۰
رایج بودن این تعداد فرزند	۰	۰	۷۶	۱۴/۳	۰	۰	۰	۰
تنها نبودن فرزندان	۰	۰	۴۲۵	۷۹/۴	۰	۰	۲	۳۳/۴
کافی بودن این تعداد فرزند	۷	۱۰/۶	۱۱	۲	۰	۰	۰	۰
بالا بودن مخارج نگهداری	۱۷	۲۵/۴	۱	۰/۱	۰	۰	۰	۰
سخت بودن تربیت فرزندان	۲۷	۴۰/۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰
ایجاد مشکل برای ادامه کار	۸	۱۱/۹	۲	۰/۴	۰	۰	۰	۰
تکمیل خانواده با این تعداد فرزند	۰	۰	۹	۱/۶	۱	۱۰۰	۴	۶۶/۶
تمایل همسر و خانواده‌ام	۰	۰	۱۰	۱/۸	۰	۰	۰	۰
جمع کل	۶۷	۱۰۰	۵۳۶	۱۰۰	۱	۱۰۰	۶	۱۰۰

بنابر جدول بالا فرضیه‌های۱، ۳ و ۶ این پژوهش تأیید شدند و رابطه میان تحصیلات، رتبه شغلی و پایگاه اقتصادی و اجتماعی پاسخگوها مورد تأیید قرار گرفتند.

همچنین برای بررسی معنادار بودن رابطه میان وضعیت ترجیح جنسی و تمایل به داشتن فرزند دوم از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شد، که میزان ضریب به دست آمده ۰/۰۵۳ و سطح معناداری در این آزمون (P > ۰/۰۵) است که نشان می‌دهد رابطه بین ترجیح جنسی و تمایل پاسخگوها به داشتن فرزند دوم وجود ندارد.

بررسی معنادار بودن رابطه میان وضعیت سن زنان و تمایل به داشتن فرزند دوم نشان داد میزان ضریب همبستگی به دست آمده برابر است با ۰/۲۸۱ و سطح معناداری در این آزمون (P <۰/۰۰۰۱) است که نشان می‌دهد رابطه بین سن مادران و تمایل پاسخگوها به داشتن فرزند دوم وجود دارد و می‌توان گفت با افزایش سن مادران تمایل آنها به داشتن فرزند دوم کاهش می‌یابد.

همچنین بررسی معنادار بودن رابطه میان وضعیت اعتقادات مذهبی پاسخگوها و تمایل به داشتن فرزند دوم نشان داد رابطه معناداری بین اعتقادات مذهبی و تمایل پاسخگوها به داشتن فرزند دوم با سطح معناداری وجود دارد و بنابراینمی‌توان گفت افرادی که اعتقادات مذهبی بیشتری

داشته‌اند وضعیت تمایل آنها به داشتن فرزند دوم متفاوت است.

جدول ۳: توزیع نتایج آزمون‌های مربوط به تمایل به آوردن فرزند دوم و متغیرهای مورد بررسی با استفاده از آزمون کای اسکور (k-square)

	رتبه شغلی	پایگاه اجتماعی و اقتصادی	تحصیلات پاسخگوها
کای اسکوئر k-square	۲۵/۶۲	۵۵/۶۱	۳۲/۸
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

بنابر نتایج جدول ۴ می‌توان بیان کرد که تنها ترجیح جنسی پاسخگوها است که بر تمایل به آوردن فرزند دوم تأثیرگذار نبوده است و بین متغیرهای سن زنان و اعتقادات مذهبی و تمایل به آوردن فرزند دوم رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۴: توزیع نتایج آزمون‌های مربوط به تمایل به آوردن فرزند دوم و متغیرهای مورد بررسی با استفاده از آزمون اسپیرمن

	ترجیح جنسی	سن زنان	اعتقادات مذهبی
اسپیرمن	۰/۰۵۳	۰/۲۸۱	۰/۱۶۴
سطح معناداری	۰/۱۹۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

بحث

رابطه‌ی بین فرزندآوری (باروری) زنان و مشارکت آنها در نیروی کار غالبا دوطرفه است. از یک طرف فعالیت‌های شغلی زنان است که میزان باروری و فاصله‌گذاری بین فرزندان را تعیین می‌کند. زنان شاغل ممکن است به علت این که شغل خود را از دست ندهند دیرتر ازدواج کنند. از طرفی دیگر باروری کمتر موجب می‌شود زنان برای فعالیت‌های خارج، زمان بیشتری داشته و جذب بازارهای شغلی بیرون از خانه شوند.

در گذشته زنان بی‌سواد مشارکت بیشتری در نیروی کار داشته اما در حال حاضر عکس این حالت صادق است. اما امروزه با افزایش سطح تحصیلات زنان و تمایل آنها به استفاده از این تحصیلات، تمایل آنها به مشارکت‌های اجتماعی و اشتغال در خارج از خانه بیشتر شده است و بنابراین زنان ترجیح می‌دهند که به دلایل اقتصادی و یا موقعیت‌های اجتماعی در خارج از خانه به سر ببرند و این وضعیت باعث می‌شود داشتن فرزندان بیشتر برای زنان به عنوان عوامل بازدارنده محسوب شود و در نهایت باعث کاهش تمایل زنان به آوردن فرزندان بیشتر می‌شود (۱۸).

یافته‌های پژوهش در مقایسه با نتایج به دست آمده در پژوهش‌های دیگر صورت گرفته، نشان‌دهنده شباهت‌هایی در یافته‌ها است به طوری که فروتن معتقد بود که اگر امکانات زنان شاغل زیاد باشد تمایل به داشتن فرزند دوم در آنها بیشتر می‌شود در این پژوهش نیز عده‌ای از پاسخگوها مشکل کار، شغل و سخت بودن و زیاد بودن موانع برای پرورش فرزندان را مطرح کرده بودند.

جوادی نیا در نتایج خود تأکید کرده بود که باروری ایده‌آل در میان زنان شاغل پایین‌تر از باروری ایده‌آل در میان زنان غیرشاغل بوده است که در پژوهش حاضر نیز تمایل زنان با رتبه‌های شغلی بالاتر به داشتن فرزند دوم، کمتر از تمایل زنان با رتبه شغلی پایین‌تر بوده است (۲).

سوری در پژوهش خود به این نتیجه رسیده بود که بین تحصیلات و پایگاه اقتصادی- اجتماعی و وضعیت فعالیت پاسخگو و میزان باروری وی رابطه وجود داشته است، ترجیح جنسی به نفع پسر نیز در میان پاسخگویان وجود داشته که بر میزان باروری تأثیر گذار بوده است. همین‌طور درآمد بالاتر با میزان باروری رابطه معکوس داشته است. در این پژوهش نیز میان سطح تحصیلات و تمایل به داشتن فرزند دوم رابطه وجود داشت. همچنین میان وضعیت فعالیت پاسخگویان نیز با تمایل به داشتن فرزند دوم رابطه منفی وجود داشت (۲).

کثیر در نتایج خود به مواردی همچون وجود رابطه میان تقدیرگرایی، سطح تحصیلات پاسخگویان و سن ازدواج زنان با میزان باروری آنها تأکید می‌کند و معتقد است که با کاهش تقدیرگرایی پاسخگویان و افزایش سطح تحصیلات و سن

ازدواج آنها، میزان باروری آنها کاهش می‌یابد. در پژوهش حاضر نیز نتیجه گرفتیم که با افزایش سطح تحصیلات پاسخگویان و افزایش سن آنها، تمایل به آوردن فرزند دوم کمتر می‌شود (۲).

منصوریان نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که زوجینی که تعداد فرزند دختر آنها بیشتر از تعداد فرزند پسرشان بود بیشتر تمایل به فرزندآوری دارند که در این پژوهش این نتیجه به دست نیامد و بین ترجیح جنسی و تمایل به داشتن فرزند دوم رابطه معنادار وجود نداشت.

کوپن در تحقیق خود به این نتیجه رسید که تحصیلات و اشتغال زنان در کشور آلمان باعث کاهش تمایل به داشتن فرزند دوم می‌شود اما در فرانسه این طور نیست و تمایل زنان شاغل به داشتن فرزند دوم کاهش نمی‌یابد. در نتایج این پژوهش نیز شاهد بودیم که رتبه شغلی زنان باعث کاهش تمایل زنان به داشتن فرزند دوم می‌شود (۲).

ژاندال در تحقیق خود به این نتیجه رسید که بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی و تحصیلات و همچنین کاهش نسبی باروری رابطه وجود دارد که در این پژوهش نیز ما به همین نتایج دست یافتیم.

والر و استیکوز و همچنین ماسون نیز به این نتیجه رسیده بودند که بین اشتغال و باروری رابطه وجود دارد و اگر شغل برای زنان مهم باشد تمایل آنها به باروری بیشتر کاهش می‌یابد که در این پژوهش نیز به همین نتیجه رسیدیم و بین رتبه شغلی زنان و عدم تمایل به داشتن فرزند دوم رابطه وجود داشت و زنان با رتبه شغلی بالاتر تمایل کمتری به داشتن فرزند دوم داشتند.

با توجه به نتایج فرضیه‌های این تحقیق و تحقیق محمد طاهری می‌توان گفت که اعتقادات مذهبی در تمایل به داشتن فرزند دوم بسیار مؤثر بوده و با تقویت دیدگاه‌های مذهبی و با کمک گرفتن از دستورات مذهبی و دینی می‌توان در کاهش یا افزایش تمایل به داشتن فرزندان بیشتر مداخله کرد (۲). همچنین سن ازدواج یکی از عوامل تأثیر گذار بر باروری است که با توجه به افزایش سن باروری در ایران و همچنین در اصفهان، باید فرهنگ‌سازی در زمینه فرزندآوری در زمان مناسب برای زوجین صورت بگیرد، چرا که زنان و به طور کلی زوجین در رابطه با فرزندآوری در سنین بالا با نگرانی مواجه هستند. مشکلات اقتصادی در خانواده‌ها باعث می‌شود که زنان نیز به دنبال درآمد بیشتر وارد بازار کار شوند و در پی حفظ شغل آنها ترجیح می‌دهند که تعداد حاملگی‌های خود را به حداقل مورد توافق در خانواده برسانند. بنابراین توجه به مسایل اقتصادی می‌تواند یکی از عوامل مؤثر در تشویق به فرزندآوری‌های بیشتر باشد. در تحقیق ماسون نیز به این نتیجه رسیدند که اشتغال و کسب درآمد برای زنان باعث می‌شود تمایل کمتری به آوردن فرزندان بیشتر داشته باشند (۱۱).

همچنین تحصیلات زنان و پایگاه اجتماعی و اقتصادی باعث می‌شود که زنان یا زمان زیادی به دنبال تحصیلات باشند و بنابراین دیرتر به باروری اول خود اقدام کنند و در نتیجه احتمال تمایل به باروری‌های دیگر کاهش بیابد و همچنین در رابطه با پایگاه اجتماعی و اقتصادی، زنان برای حفظ موقعیت اجتماعی و اقتصادی خود و حفظ امکانات و وضعیتی که دارند ترجیح می‌دهند که باروری کنترل شده‌تری داشته باشند و دیدگاه های اجتماعی در رابطه با خود و موقعیتشان را نیز در این امر دخیل می‌دارند (۱۸).

نتیجه‌گیری

به طور کلی می‌توان گفت که عوامل مختلف اجتماعی و اقتصادی وجود دارند که می‌توانند باروری را تحت تأثیر قرار دهند که با پیچیده‌تر شدن اجتماع این عوامل نیز پیچیده‌تر می‌شوند و نقش این عوامل بسته به تغییرات جامعه کم و زیاد می‌شوند. در نتیجه شناخت این عوامل در برنامه‌ریزی‌های کلان جمعیتی و اداره امور مرتبط با جمعیت مهم است.

محدودیت‌ها

از آن جایی که رفتار باروری تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد و مسایل و متغیرهای متنوعی در حوزه‌های مختلف

اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌توانند آن را تحت تأثیر قرار دهند شناخت وبررسی این عوامل کا ر سهل وآسانی نیست.

با توجه به نحوه دسترسی به نمونه‌های مورد بررسی ممکن است نمونه‌هایی که مورد مصاحبه قرار گرفتند به صورت کامل نشان‌دهنده جامعه آماری نباشند و همچنین از سوی دیگر امکان بررسی عمیق‌تر و همه جانبه‌تر عوامل مؤثر بر تمایل به داشتن فرزند دوم در پرسشنامه مورد استفاده وجود نداشته است که این امر به دلیل محذوریات پاسخگو در زمان پاسخ به سؤالات بوده است.

مسئله مورد توجه دیگر که باعث محدودیت تحقیق شد دسترسی به زنان شاغل دارای یک فرزند بود چرا که اغلب زنان در سنین باروری کمتر از سی و پنج سال دارای مشاغل قراردادی بودند و بعد از آوردن فرزند اول اغلب کارشان را ترک می‌کنند و یا پاره وقت کار می‌کنند که این مسئله باعث می‌شد دسترسی به آنها و یافتن آنها در محیط‌های کاری بسیار دشوار شود.

تشکر و قدردانی

این مقاله برگرفته از طرح تحقیقاتی مصوب شورای پژوهشی دانشگاه آزاداسلامی واحد دهاقان می‌باشد. بدین وسیله از معاونت پژوهشی واحد و کلیه همکارانی که بنده را مورد حمایت مادی ومعنوی قرار دادند تشکر و قدردانی می‌گردد.

References

1. Shokuhi M. Examination of Tone Kabon Rural Women's Motivation For Fertility.[MSc Thesis]. Islamic Azad University of Tehran, 2001.
2. TaheriNasim M. The Effective Sociological And Cultural Factors of Women's Fertility.[MSc Thesis]. Islamic Azad University of Tehran, 1999.
3. Singh KK; Singh K; Singh BP; Pathak AK. Impact of Education and Autonomy of Fertility of Women in Eastern Uttar Pradesh. Demography India 2002. 31(2).
4. Havardking T. Fertility and Society. Translated by with Zahra Pouransari, Ali Naseri, Tehran: Universal Publish Centre; 1988.
5. Shojaei M. Examination of Employment and Fertility for Women Who Work On Industry. [MSc Thesis].Tehran, Islamic Azad university of Tehran, 1997.
6. Kasiri M. The Effective Sociological and Cultural and Demographic Factors of Women's Fertility in Age of 15-49 Who Got Married. [MSc Thesis].Tehran, University of Tehran, 2007.
7. Kavehfiruoz Z, Abbasishovazi M. Change in Politics of Population Control and It's Effectiveness on Fertilities Transition in Iran. Journal of population of Iran 2002.
8. Leibenstien.The Economic Theory of Fertility Decline. QJE 1975; 89(1):1-39.
9. Kazemitaklimi R. The Effective Sociological and Economical and Demographic Factors of Women's Fertility between 1986-1999. [MSc Thesis]. Tehran,University of Tehran, 2001.
10. Forutan Y. A Population Understanding about Women's Employment, With A Notation On Iran Situation. API 2008, 2(4):171-93.
11. Mason KO. Female Employment and Fertility in Peninsular Malaysia: The Maternal Role Incompatibility Hypothesis Reconsidered. Demography 1980; 18(4): 143-57
12. Farzadseir K. The Effective Sociological and Economical Factors of Women's Fertility in Yazd's Rural Area. [MSc Thesis]. Tehran, Shahid Beheshti University, 1992.
13. Mayone SJ, Weller RH. Female working roles and fertility. Demography 1978; 4(1):67-82
14. Mcnicoll G. The Nature of Institutional and Community Effect on Demographic Behavior: A Discussion, in Casterline j.b (ed). The Collection and Analysis of Community Data. Voorburg: International Statistical Institute 1985: 177-84.
15. Hosseini H. An over view to economical and sociological demography and family planning, Hamedan: Bu Ali University, 2007.

16. Mansurian M. khoshnevis A. Sex Preference And Tendency of Women to Fertility, Search In Tehran. Shiraz Journal Of Human And Society Research 2006. 24(2):129-146.
17. Suri A. Examination of the Effective Factors of Fertility Behavior; Study on Married Women Who Are Between 15-49 Years Old. [MSc Thesis]. Tehran, Allame Tabatabaei University, 2006.
18. Mcdonald P. Gender Equity Social Institutions and The Future of Fertility journal of population research 2000; 17(1):1-16.

Women's Attitude to Having Second Child and Factors Effecting on It

Sayed Naser Hejazi

Original Article

Abstract

Background: As the fertility is a sociological factor, there are a lot of factors and problems that can affect on fertility and change it. Women employment can have an important effect on fertility. Although women employment in society are in need due to their sociological and economical roles but the facilities for taking care of children for women is not enough satisfactory; and also their tendency to having another child and fertility will decrease.

Methods: In this study, researcher use measurement method and the responders were 610 women who were married with the age of 15-49 and had one child and as employed women. These women live in Esfahan, Kashan, Semirom, Golpayeghan and Najaf Abad.

Findings: Most of women were in middle economical and sociological rank and most of them were between 20-24 and their husbands were between 25-29.their education was around bachelor and most of them had a child younger than 4 years. They tend to have two children and it was their preference for having child. They thought it's better for couples having two children. Education, employer degree, economical and sociological rank, perception of having children affect on tendency to having second child (P<0/001) and sex preference does not have significant effect to tendency to having second child (P=0/193).

Conclusion: finding showed that most of women who work have their first child when there are under the 30 years old and they prefer to have two children.

Keywords: Employment, fertility, second child, working women

Citation: Hejazi SN. **Women's Attitude to Having Second Child and Factors Effecting on It.** J Health Syst Res 2013; 9(7):771-781

Received date: 07/12/2012 **Accept date: 11/06/2013**

Lecturer, Department of Demography, School of social sciences Islamic Azad University, Dehaghan Branch, Isfahan, Iran (Email:Hejazinaser@yahoo.com)